

سرآغاز گفتار نام خداست که رحمتگر و مهربان خلق راست

ادبیات فارسی پایه هشتم درس ۱۳ - ادبیات انقلاب

مدرس : شیرین عبابافها
دبیرستان گل های خرد

وابسته های پیشین را در ابیات زیر پیدا کنید و نوع آن ها را بنویسید



۱- بینی چه رقم های شگرف است و دل آرا
بر صفحه هستی ز خداوند تعالی

۲- گر از نیستی دیگری شد هلاک
مراهست ، بط را ز طوفان چه باک (بط = مرغابی)

۳- هرشب از سوی در می آیدم در دل ، خیال
از کدامین سو نگهدارم من این پروانه را



به نمونه‌های زیر توجه نمایید:

- یکی را به سر بر نهد تاج بخت
- با چشم ادب نگر پدر را
- از مکافات عمل، غافل مشو
- یکی را به خاک اندر آرد ز تخت (سعدی)
- از گفته او میبچ سر را (ایرج میرزا)
- گندم از گندم بروید جو ز جو (مولوی)

در هر یک از بیت‌هایی که خواندید، شاعر با بیانی غیرمستقیم، مقصود خود را آورده است. «تاج بر سر یکی نهادن» به معنای «گرامی و بزرگ داشتن» است و «یکی را به خاک اندر آوردن» بر مفهوم «کوچک و پست شمردن» دلالت دارد.

در هر یک از بیت‌هایی که خواندید، شاعر با بیانی غیرمستقیم، مقصود خود را آورده است. «تاج بر سر یکی نهادن» به معنای «گرامی و بزرگ داشتن» است و «یکی را به خاک اندر آوردن» بر مفهوم «کوچک و پست شمردن» دلالت دارد.

با کمی تأمل در مصراع دوم شعر ایرج میرزا در می‌یابیم که شاعر با بیان جمله «سرمپیچ» مخاطب خود را از «نافرمانی» بر حذر می‌دارد.

به نظر شما، قصد شاعر از بیان مصراع دوم بیت آخر چیست؟

هرگاه بخواهیم دربارهٔ مطلبی، به طور غیرمستقیم صحبت کنیم و دربارهٔ امری پوشیده سخن بگوییم، از «کنایه» بهره می‌گیریم.

«کنایه» سخنی است که دو مفهوم دور و نزدیک دارد و مقصود گوینده، معنای دور آن است.

پیام و محتوای درس « ادبیات انقلاب » :

- پیوند میان مردم و رهبر انقلاب سبب یکپارچگی می شود
- اتحاد ، انقلاب را در سطح دنیا ، سرافراز و سربلند نگه می دارد

-

حکایت « ان شاء الله »

آورده اند که، مردی در راهی می رفت و

نقل کرده اند

در می چند در آستین داشت و در عقیدتش

ایمان و عقیده او

خلل بود. یکی او را گفت: « کجا می روی؟ »

پول نقره یا طلا
آسیب، تباهی

گفت: « در می دارم؛ به خز فروشان می شوم

بازار پوستین فروشان

تا خزی خرم. » گفت: « بگو این شاء الله! »

می روم
بخرم

گفت: « به این شاء الله چه حاجت است؟ »

نوعی جانور که از پوست آن، لباس تهیه می کنند
اگر خدا بخواهد

نیاز

استفهام انکاری

نیاز

که زر بر آستین است و خز در بازار! « او

بگذشت. در راه طرّاری به وی باز خورد و آن

بر خورد کرد

دزد

زر به حیلّت برد. چون آن مرد واقف شد که

آگاه

حیله، مکر

زر بردند، حجل وار بازگشت و به اتفاق، هم

اتفاقا

خجالت زده

آن مرد به او باز خورد و گفت: «هان! خز

آگاه باش

بر خورد کرد

خریدی؟» گفت: «زر بردند ان شاء الله.»

سکه طلا

گفت: «اشتباه کردی؛ ان شاء الله در آن

موضع باید گفت تا فایده دهد!»

شبه جمله

ادبیات انقلاب



دگرگون شدن
قیام گروهی برای واژگون کردن یک حکومت

بهمین ماه ۱۳۵۷ در تاریخ معاصر ایران جلوه‌ای ویژه یافته است؛ چون از یک سو،
هم عصر ، هم دوره
هنگام فروپاشی نظام شاهنشاهی و از دیگر سو، آغاز رهایی و آزادی مردم و شکل‌گیری
ظاهر ، پیدایی
جمهوری اسلامی است. نظام ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی، سرانجام با انقلاب شورانگیز
از بین رفتن
مردم، به رهبری امام خمینی (قَدَس سِرُّه) کنار زده شد. این انقلاب امید بخش که پایه
و اساس آن در سال ۱۳۴۲ شکل گرفت، سه ویژگی برجسته دارد:

■ خدا محوری و دین باوری

دانشمند علوم دینی
کسی که به احکام شرع عالم
است

■ رهبری بر پایه اصل ولایت فقیه

■ وحدت و یک پارچگی مردم
همبستگی

ایمان و اعتقاد مذهبی، نخستین و اصلی ترین عامل پیوند رهبری و ملت و سبب

کنایه از : علاقه مند شدن

استواری مردم بود. در حقیقت، دل سپاری «رهبر» و «مردم» به توحید و ایمان

الهی، آن چنان این دو را به هم پیوند زد که دوگانگی از میان برخاست و «وحدت

از میان رفت ، نابود شد

اختلاف

وصل کرد

تضاد : دوگانگی ، وحدت

کلمه «پدیدار گشت».

مردم دین باور و انقلابی ایران به پیشوایی بنیان گذار فرزانه انقلاب اسلامی و با

دانا

پایه گذار
مؤسس

رهبری

تکیه بر تعالیم الهی، سه اصل اساسی «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» را از همان آموزش‌ها

آغاز به عنوان هدف اصلی قیام خود به جهانیان اعلام کردند.

چیزی که بر درخشش این انقلاب می‌افزاید، بهره‌گیری از تعالیم اسلامی و ارزش‌های

فرهنگ ایرانی است؛ زیرا باطن هر ایرانی همواره ریشه در دو سرچشمه زایا دارد؛ یعنی

زاینده
افریننده

درون

«دین» و «فرهنگ» و همین دو است که او را پاینده و استوار می‌دارد.

محکم



ادبیات به یاری ابزارها و عوامل ^{جمع عامل} گوناگون پدید می‌آید. نخستین ابزار پیدایش

ادبیات، زبان است. زبان، عامل ^{اجرا کنندگان} انسجام و وحدت ^{جمع قوم} همه اقوام یک سرزمین است.

زبان هر جامعه در هر دوره‌ای، نماینده ^{یک پارچگی} فکر و فرهنگ ^{هماهنگی} همان روزگار است. بهترین

راه برای آشنایی با اندیشه‌ها و باورهای هر جامعه، روی آوردن به ادبیات آن جامعه

است و مقصود از ادبیات، همه آثار نظم و نثری است که آینه فرهنگ و اندیشه یک

تشبیه ادبیات به آینه

جامعه است؛ به عبارت دیگر «ادبیات، بیان حال یک جامعه است.»

جامعه است؛ به عبارت دیگر «ادبیات، بیان حال یک جامعه است.»

وقتی شما به یک اثر ادبی مانند شاهنامه، گلستان و مثنوی مولوی رو می‌کنید، چهره

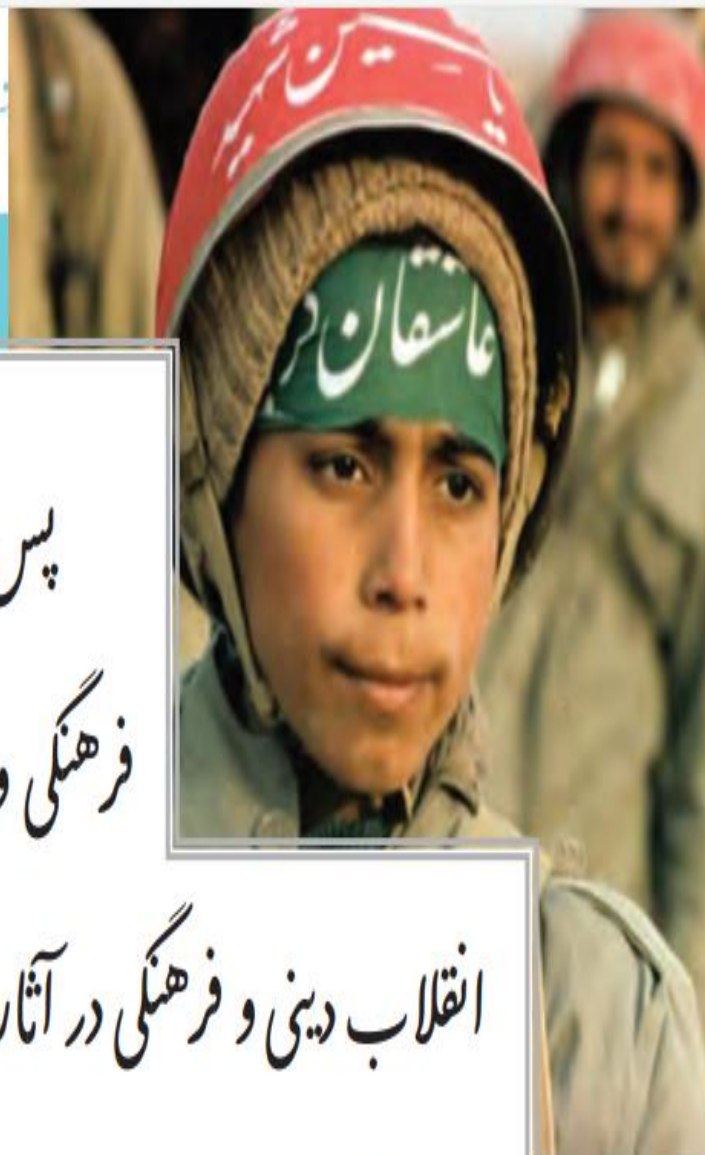
انسان‌های آن جامعه و رفتار و منش اجتماعی اشخاص را پیش چشم خود دارید. اصولاً

کلید شناخت هر ملت^{خوی عادت}، ادبیات آن ملت است.

تشبیه ادبیات به کلید

رو کردن: کنایه از «توجه کردن

اندازه، وسیله ای که چیزی را با آن بسنجند



پس از واقعه عظیم انقلاب اسلامی، بسیاری از بنیادهای فکری،
فرهنگی و معیارهای ارزشی و اخلاقی جامعه ایران دگرگون شد. این

انقلاب دینی و فرهنگی در آثار نویسندگان پس از انقلاب اسلامی نیز جلوه گر شد.

نمایان
آشکار

انقلاب اسلامی، درهای تازه‌ای به روی ادبیات لشود و واژه‌ها و ترکیب‌هایی مانند:

«استقلال، اسلام، قیام، شهادت، ایثار، شرافت، کرامت، مبارزه، تعهد، مردانگی،

دیگری را بر خود ترجیح دادن

جوانمردی
به عهده گرفتن
پیمان بستن

بزرگواری
بزرگواری
جوانمردی

به پا خاستن

ایستادگی، ستم‌ستیزی، جانبازی، رزمندگی، بسیج، ولایت، شهید، برابری، برادری،

آمادگی
سرپرستی
رهبری دینی

حماسه، عدالت، رشادت و...» را با نگرشی جدید، در زبان مردم رواج و گسترش داد.

دلیری

دلیری
شجاعت

در ادبیات انقلاب به آزاداندیشی توجه شد و فضیلت‌هایی مانند همدلی و صفا، ایثار،

همفکری
همراهی
پاکی

مقاومت و مبارزه در برابر ظالمان و روحیه جوانمردی و پهلوانی، پدیدار گشت.

بر پایه آنچه گفته شد، ادبیات انقلاب، انقلابی است که در درونمایه و محتوای آثار و

اصل هر چیز

محتوا

افکار پدید آمده است و عشق و شور و رادمردی و دین باوری و ایشار در آن موج می زند.

کنایه از: زیاد و فراوان بودن

جوانمردی

ادبیات انقلاب، آینه انقلاب است و گنجینه ای است که آرمان های انقلاب اسلامی را

امید

آرزو

مجموعه ای از

چیزهای بالارزش

در خود جای داده است.

درآمدی بر ادبیات داستانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، (با کاهش و تلخیص)

به این نمونه‌ها توجه کنید:

الف) نوای خوش، بوی گل، بهای کتاب

ب) نور خورشید، باغ زیبا، راه راست

در ردیف «الف» کلمات «نوا»، «بو» و «بها» به مصوّت «ا» و یا «و» ختم شده‌اند؛ این گونه واژه‌ها، در حالت اضافه، به «ی» میانجی نیاز دارند؛ اما واژه‌های «نور، باغ و راه»، در ردیف «ب»، به حرف (صامت) ختم می‌شوند و در حالت اضافه، به حرف میانجی «ی» نیازمند نیستند. به شکل درست این گروه واژه‌ها در املا نویسی دقّت و توجه داشته باشیم.

نگاه مهربان خداوند
همراه همیشگی زندگی تون
باشه